

نموده اگر کسی منکری را ببیند و او را نهدی نکند، گناه کبیره انجام داده است. در این مملکت اگر کسی نهی از منکر کند، مجرم است. از اول این هفته، از موقعی که روزنامه اطلاعات را به دستم دادند و این فجایع را دیدم، خدا می‌داند چقدر زجر کشیده و خون دل خورده‌ام. یک نفر به نام محمد رشید- به قول من نارشید- در روزنامه اطلاعات مطلب زننده و توهین آمیزی به مرجع تقلید ما آیت‌الله خمینی (صلوات مردم) که مرجع تقلید میلیون‌ها مسلمان شیعه در سراسر جهان است، نموده است، آن وقت توقع ندارند تعدادی مسلمان در قم اعتراض کنند؟ حال که عده‌ای اعتراض کرده‌اند، خون عده‌ای سید بیگانه ریخته شده است. در خاتمه هم برای سلامت خمینی صلوات فرستاده است. »

البته این رابطه دوسویه بود و بنیانگذار کبیر انقلاب بارها از علاقه خود به آن شهید بزرگوار یاد کرده بود. به عنوان نمونه هنگامی که نقار و اختلافی بین بعضی از علمای شیراز از جمله منسوبین آیت‌الله دستغیب بعد از شهادت آن شهید رخ داد، امام راحل در حکمی که برای آیت‌الله جنتی برای حل اختلاف بین علمای شیراز صادر فرمودند، با تصریح به این علاقه اشاره فرمودند: «اینجانب با علاقه‌ای که به مرحوم مجاهد عالی قدر، شهید معظم آقای دستغیب دارم و به خانواده محترم ایشان علاقه‌مندم، به حکم وظیفه از بیت ایشان تقاضا دارم همان طور که سیره مرحوم شهید دستغیب بود، در رفع این گونه غائله‌ها تلاش نمایند...» اما امام راحل (ره) علت این علاقه را نیز شرح داده بودند. ایشان در دیداری با برخی از ائمه جمعه در فاصله اندکی بعد از شهادت آیت‌الله دستغیب فرمودند: «آقای دستغیب را شاید شما آقایان کمتر بشناسید، لکن من می‌شناسم ایشان را. ایشان یک مرد وارسته به تمام معنا و معلم اخلاق، مرشد مردم و هرچه در صحبت‌هایش هست، معنویات و دعوت به

شجاعت وی در حمایت از ولایت فقیه، سابقه در قیام ۱۵ خرداد داشت. او حتی در روزهای پرخفقان ۱۳۵۶، پس از سال‌ها سختی زندان و تبعید، دلیرانه در برابر توهین به امام ایستاد و در مسجد جامع شیراز چنان خروشید که ساواک را به لرزه آورد.

شود. امیدوارم تمام دشمنان آرزو را به گور ببرند. انگلیس و آمریکا نیست و نا بود گردند.»

این جملات دردمندانه آن شهید را که هنوز تازگی و معنا دارد، در لابلای دیگر سخنانش نیز می‌توان جست. آنگاه که در خطبه‌های نمازجمعه فریاد می‌زد: «ولایت فقیه، ولایت علی است؛ ولایت امام و نایب امام است. در زمان حضور امام، ولایت از آن اوست و در زمان غیبت وی، ولی امر، امام است و در مقابل طاغوت زمان قرار گرفته است.» و با شهامت خطاب به فردی که در آن زمان در مقابل امام ایستاده بود، ادامه داد: «آقای بنی صدر هم رهبر تمام گروه‌های ضد اسلام شده است. خداوند! هرکس یار و کمک امام خمینی است، یارش باش و هرکس دشمن این امام و مخالف این امام و بی تفاوت به این امام است، خدایا به خودش واگذارش کن.»

این شجاعت وی در حمایت از ولایت، سابقه در قیام ۱۵ خرداد داشت که به تفصیل گذشت. او حتی در روزهای پرخفقان ۱۳۵۶، پس از سال‌ها سختی زندان و تبعید، دلیرانه در برابر توهین به امام ایستاد و در مسجد جامع شیراز چنان خروشید که ساواک را به لرزه آورد، سخنان وی در اسناد ساواک چنین منعکس شده است: «...اظهار

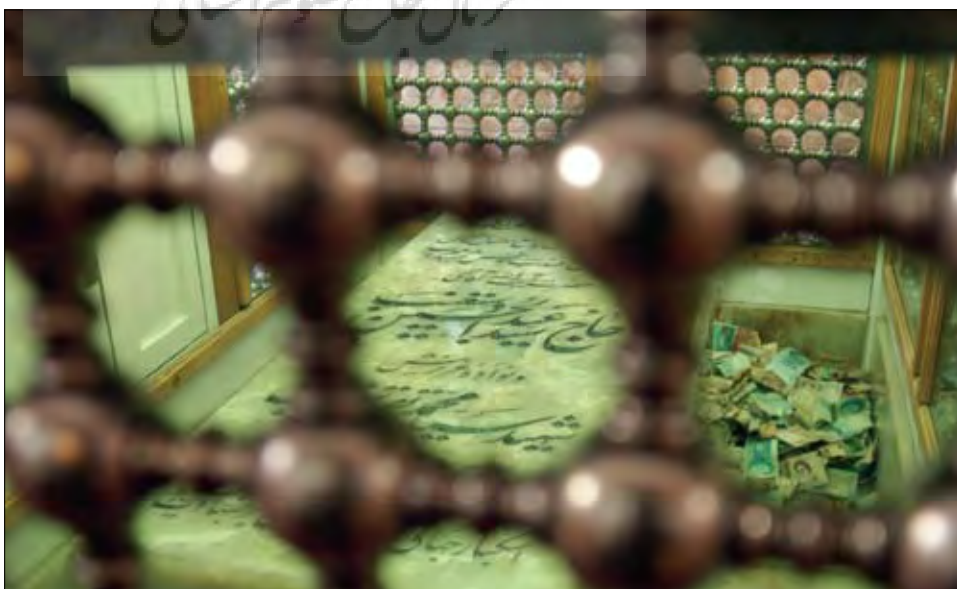
در سفری که برای تهیه این شماره شاهد یاران به شیراز داشتیم، اگرچه مجموعه‌های نفیس از رشادت‌ها و مبارزات، اندیشه‌ها و سلوک آن شهید در مقابلمان قرار گرفت، اما یکی از اصلی‌ترین موارد مورد تاکید همگان، اطاعت‌پذیری ایشان از رهبری بود. جالب آنکه یکی از مصاحبه‌شوندگان به تابلویی که در اتاق نصب کرده بود، اشاره و تقاضای مکرر نمود که این سخنان شهید دستغیب در کنار مصاحبه‌ها درج گردد. سخنانی که چنین بود:

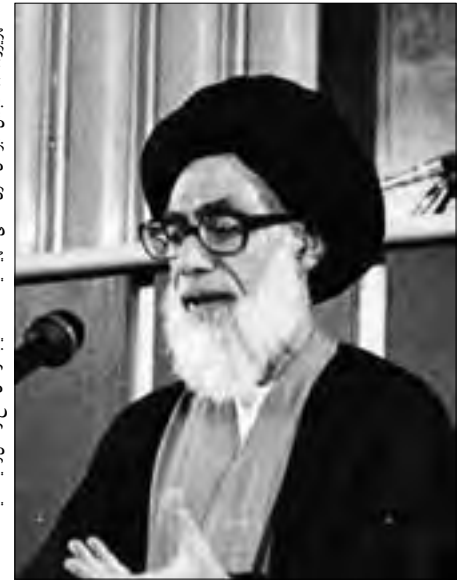
«کیست که این ناله مرا به گوش عمامه [به] سرهای ایران برساند؟ هر کسی می‌خواهی باش! خودت را می‌جتهد می‌دانی، مقدمات خوان می‌دانی، نمی‌دانم، هر چه خودت را می‌دانی، بر تو واجب است امروز تبعیت از یک نفر، تو حق نداری درمقابل رهبر حرفی بزنی، تماما باید تبعیت کنند. طبقات دیگر هم به این قسم. دانشجویان عزیز! آی دانشگاهی‌ها! هوشتان باشد! گرگ‌ها بین شما و رهبر الهی جدائی نیندازند، شما را گروه گروه نکنند و شما را طعمه خودشان قرار ندهند. وسیله پیشرفت دشمن نشوید. هر عمامه‌سری که از رهبر مکرر فاصله بگیرد، لعنت خدا بر او باد. تمام عمامه‌سرها همه باید مطیع یک رهبر، نایب امام باشند. یکی هم بر دیگری هیچ تقدم ندارد. همه باید فرمان ببرند، همه باید اطاعت بکنند. حتی مکرر گفته‌ام که حسن و حسین (ع) یکی‌شان امام بود: حسن امام، حسین ماموم. هیچ وقت حسین تا حسن بود در عرض نبود. تابع بود. هر چه به او می‌گفتند، می‌گفت: «هرچه حسن بفرماید» دو تا امام نمی‌شود، دو تا نایب امام هم غلط است، دو تا رهبر هم غلط است. وای به امتی که از رهبر الهی خود فاصله بگیرد، هلاک است، هلاک است، طعمه دشمن است، الان می‌دانید آمریکا در کمین است، انگلیس در کمین است، شوروی در کمین است. همه منتظرند که این ملت بی سرپرست

آیت الله دستغیب و تصویب اصل ولایت فقیه...

حاشیه‌نگاری از مصاحبه‌های این شماره

محمد مهدی اسلامی





شهریور ۱۳۵۸، مجلس خبرگان قانون اساسی، شهید آیت‌الله دستغیب در حال دفاع از اصل ولایت فقیه.

خدا و دعوت به اسلام است.»

پس بدیهی بود که این علاقه شهید به آن پیر فرزانه، فراتر از تمام ویژگی‌های ممتاز امام خمینی (ره)، متوجه جایگاه ولایت فقیه بوده است. با چنین حساسیتی البته سوالاتی نیز داشته‌ایم که برخی از آنها از برابر دیدگان خوانندگان محترم نشریه شاهد یاران گذشته است. اما دریغ می‌آید به یکی از حواشی این مصاحبه‌ها اشاره‌ای نکنم.

یکی از کسانی که در این راستا به سراغش رفتم، فردی بود که برخلاف تصور عموم، فرزند آن شهید نیست، گرچه از منسوبین اوست و بسیار ابراز نزدیکی به آن شهید می‌کند. ایشان ابراز تمایل کرد تکرار مکررات دیگران را نگوید، از ضرورت پرهیز از هوای نفس گفت، از اینکه آیت‌الله دستغیب برایش مهم نبود که به او مرجع بگویند یا نه، به دنبال راهیسی از توهمات بود و

با چنین اندیشه تابناکی، دور از انتظار نبود که رهبر کبیر انقلاب در رثای او چنین بنگارند: «مسجد و محراب و منبر شیراز نغمه ملکوتی این شهید راه اسلام را از یاد نمی‌برند. درس‌های انسان‌ساز ایشان که در قلب انسان‌های متعهد غوغا برپا می‌کرد، جاویدان است. دستغیب به دست غیب‌نشینان ملکوت سپرده شد و در آغوش رفیق اعلی آرامید.»

... در میان سخنان حرف بدین نقطه رسید که برخی شبهه می‌کردند که اگر فردا امام خمینی نباشد، تصویب اصل ولایت فقیه ما را با مشکل مواجه می‌کند. از ایشان پرسیدیم که نظر آن شهید در این خصوص چیست. پاسخ او به فراخور مقتضای سیاسی امروز خودش، و نه واقعیت بود. عین پاسخ او چنین بود: «مهم همین است، ایشان گفت الان را شما نگاه کنید. الان کسی هست که دارد مردم را به توحید می‌خواند، مردم را به وحدانیت می‌خواند، حالا چون آینده این جور است، الان را ول بکنیم. خوب در آینده مردم هستند و یک کاری می‌کنند.»

این سخن در حالی گفته شد که مشهور بود ایشان سخنانی کاملاً متمایز از این بیان کرده است. برای احراز اطمینان، به اسناد مراجعه شد و حقیقت رخ نمود و پرده از مظلومیت آن شهید که برخی سعی دارند از نام او سوء استفاده و تفکرش را تحریف کنند، برداشته شد. شهید دستغیب در جلسه چهل و سوم مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورخ بیست و یکم مهرماه ۱۳۵۸ ادامه بحث پیرامون اصل ۸۷، به عنوان اولین ناطق چنین سخن گفته بود: «اگر کسی اشکال کند چنانکه اشکال هم کرده‌اند و گفته‌اند که بلی، مثل امام خمینی کجا دیگر پیدا می‌شود، در دوره‌های قبل نبوده، ایشان نابغه بوده است و بعد از این هم دیگر مثل ایشان پیدا نخواهد شد، ممکن است یک فقیهی بعد از ایشان بیاید و چطور و چطور بشود، آن وقت ما دچار دیکتاتوری روحانیت خواهیم شد. تمام اینها شبهه‌های واهی است. البته بدانید و می‌دانید. جسارت نکنم، تذکر است. هرگاه اکثر خلق حاضر شدند به اطاعت از ولی امر و فقیه عادل، والله خدای تعالی مثل خمینی و بهتر از او برایشان پیدا خواهد کرد اما نسخ من آیه او ننسها نأت بخیر منها او مثلها» .. این حرف شیطنانی است که پس از آیت‌الله خمینی چه کار خواهیم کرد. همان کسی که آقای خمینی را به وجود آورد، بعد از ایشان بهتر از او یا مثل ایشان را در رأس مسلمین قرار خواهد داد. مسلمانان را حیران نمی‌گذارد، ولی شرطش حاضر بودن مسلمین مثل حال است. مادامی که خلق حاضرند اطاعت کنند از ولی امر، خدا ولی امر را برایشان مستقر خواهد داشت. این اولاً.

و ثانیاً بر فرض بگوئیم نعوذ بالله فقیهی که بعد می‌آید ممکن است منحرف شود، ممکن است دیکتاتوری کند، ممکن است حب ریاست داشته باشد، ممکن است فساد داشته باشد. اولاً این احتمال در ریاست جمهوری هم هست. هر مقامی را که شما فرماندهی کل قوا را به او بدهید، همین طور است، بلکه در او صد برابر است. چطور اگر بگویند فرماندهی کل قوا برای ریاست جمهور باشد، هیچ کس هیچ حرفی نمی‌زند، در حالی که صد برابر احتمال است که فساد کند و دیگر اینکه ممکن

است در همین قانون قید شود که هرگاه آن فقیهی که رهبر شده، انحرافی در او پیدا شد، از همان مجرائی که تثبیت شده از همان مجرا منعلز می‌گردد. از چه مجرائی فقیه را تثبیت کردید در قانون؟ از مجرای اکثریت خلق. خلق، خبرگان را معین کردند و خبرگان هم این رهبر را معین کرده‌اند. اگر این رهبر منحرف شد، فوراً دو مرتبه اکثریت خلق، خبرگان را تأسیس می‌کنند و همان خبرگان عزلش می‌کنند و فقیه دیگری را سرجای او می‌نشانند. این چه خطری است که شما را به وحشت انداخته است که چطور خواهد شد؟ اینها موهومات است.»

با چنین اندیشه تابناکی، دور از انتظار نبود که رهبر کبیر انقلاب در رثای او چنین بنگارند: «مسجد و محراب و منبر شیراز نغمه ملکوتی این شهید راه اسلام را از یاد نمی‌برند. درس‌های انسان‌ساز ایشان که در قلب انسان‌های متعهد غوغا برپا می‌کرد، جاویدان است. دستغیب به دست غیب‌نشینان ملکوت سپرده شد و در آغوش رفیق اعلی آرامید. او نمرده که زندگانی جاوید در جرگه پرده‌نشینان قدس و عاشقان لقاء الله یافت. از خدا بی‌خبرانی که همت بر قتل این رهبران فضیلت و رهروان به سوی محبوب گماشته‌اند، با فضیلت و حق طلبی مخالفند. اینان گمان می‌کنند با این حرکات غیرانسانی مذبوحانه در صف عاشقان شهادت و سوختگان در راه پیوستن به لقاء الله شکافی پیدا می‌شود. اینان طعم ایمان به غیب و عشق به محبوب را نچشیده و شب‌پرگانی هستند که از وصل آفتاب گریزانند؛ مردگانی هستند به صورت زندگان که با اعمال وحشیانه خود می‌خواهند سد راه حقیقت کنند و اسلام عزیز را به خیال فاسد خود به تباهی کشند. خداوند قادر، اسلام بزرگ را فرو فرستاده و حفظ و نگهداری آن را تضمین فرموده است.»

۱. سند ساواک مورخ ۱۰/۲۴/۳۳۲.
۲. صحیفه امام، ج ۱۵، ص: ۴۲۵
۳. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - جلد دوم - انتشارات مجلس شورای اسلامی - صفحه ۱۱۵۸
۴. صحیفه امام، ج ۱۵، ص: ۴۳۳

